

# جایگاه مشارکت زنان در توسعه سکونتگاه‌های محلی (مطالعه موردی: ناحیه گیلوان و آب‌بر شهرستان طارم)

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۵/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۲/۰۶

ناصر شفیعی ثابت\* (استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه شهید بهشتی)  
سمیه یوسفی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه شهید بهشتی)

## چکیده

مطالعه حاضر، در چارچوب توسعه پایدار سکونتگاه‌های محلی، نگاهی کل‌گرا و نظام‌مند به ارتقای مشارکت زنان در توسعه فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی در ناحیه طارم دارد؛ و بر آن است عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و توسعه سکونتگاه‌های محلی (روستایی و شهری) و درجه اهمیت هر یک از این عوامل را مشخص سازد. این مطالعه توصیفی-تحلیلی، دیدگاه ۳۹۱ خانوار بهره‌بردار نمونه در ۲۴ سکونتگاه نمونه را به طور تصادفی بررسی کرد. تحلیل نتایج آزمون‌های آماری و مطالعه کیفی نشان می‌دهد که توانایی فردی و خانواری زنان، و توان‌مندی کشاورزی و غیرکشاورزی خانوارهای بهره‌بردار بیش‌از سیاست‌های حمایتی و هدایتی نظام سیاسی، زمینه مشارکت مؤثر زنان در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی را در ناحیه مورد مطالعه فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان و آرایه مدارک رسمی برای دریافت مجوز تأسیس کارگاه صنایع تبدیلی کشاورزی و اخذ وام خوداشتغالی و توجه به نقش برابر زنان در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه سکونتگاه‌های شهری و روستایی پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت زنان، توسعه سکونتگاه‌ها، گیلوان و آب‌بر، شهرستان طارم.

---

\* نویسنده رابط: n\_shafiei@sbu.ac.ir

## ۱- مقدمه

زنان در دنیای امروز نقش عمده‌ای در فعالیتهای اقتصادی دارند. در کشورهای در حال توسعه فعالیتهای اقتصادی و تولیدی زنان در روستاها و شهرهای کوچک عمدتاً به صورت سنتی و در داخل خانه انجام می‌پذیرد و در افزایش درآمد خانوار آنان تأثیر به‌سزایی دارد. با این وجود، زنان در روستاها و شهرها<sup>۱</sup> نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرآیند اقتصاد جامعه و خانوار بوده و بی‌توجهی به توانایی این بخش از جامعه علاوه بر ایجاد چالش در روند توسعه، نتایج زیان‌باری را نیز به دنبال خواهد داشت (فائو، ۱۳۷۴: ۳، نوری و علی‌محمدی، ۱۳۸۸: ۱).

در کشورهای در حال توسعه همچون ایران، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور به رغم مشارکت گسترده خود در فعالیتهای متنوع کشاورزی و غیرکشاورزی، از فعالیتهای توسعه‌ای از قبیل سوادآموزی، آموزش مهارت‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد و ارتباط مستقیم با بازار کار محروم هستند و مزدی را در مقابل کارشان دریافت نمی‌کنند. همچنین در فعالیتهای اجتماعی، حضور مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی و کالبدی ندارند و همواره به عنوان اقشاری آسیب‌پذیر، با چالش‌های متعددی نظیر بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر روبه‌رو هستند؛ محرومیتی که بالطبع جایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها را در فرآیند توسعه پایدار به شدت تنزل بخشیده است (چمبرز، ۱۳۷۶: ۱۴۴).

با توجه به این‌که شکل غالب فعالیتهای در ناحیه مورد مطالعه به صورت بهره‌برداری خانواری و دهقانی‌خرد است؛ نقش زنان در فعالیتهای تولیدی کشاورزی و غیرکشاورزی بسیار زیاد است. اما به‌رغم مشارکت گسترده زنان در فعالیتهای متنوع تولیدی و غیر تولیدی؛ نقش مدیریتی و جایگاه اجتماعی-اقتصادی آنان بسیار پایین است. در ناحیه مورد مطالعه، عمده‌ترین چالش‌های مشارکت‌زنان در فرآیند توسعه، سنت‌ها و هنجارهای سنتی محدودکننده حاکم بر آن است. علاوه بر این، پایین بودن سطح تحصیلات و آموزش زنان موجب می‌شود آگاهی آنان نسبت به توانمندی‌های درونی و اجتماعی اندک باشد. همچنین، نادیده انگاشتن زنان در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه، و کم‌توجهی به توانمندی آنان برای ایجاد تشکلهای تعاونی تولید کشاورزی و غیرکشاورزی باعث می‌شود میزان مشارکت آنان در توسعه اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌ها کم‌رنگ گردد. به‌گونه‌ای که زنان در ناحیه مورد

<sup>۱</sup> . Agropolitan

مطالعه به‌رغم حضور مؤثر در فعالیتهای تولیدی و غیر تولیدی، در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های سکونتگاه خود مشارکت ناچیزی دارند. از این‌رو، توجه به توانمندسازی زنان در ناحیه مورد مطالعه به مثابه عامل کلیدی توسعه پایدار، ضروری است. بدین ترتیب مطالعه حاضر، در صدد است با تبیین وضع موجود مشارکت زنان در توسعه، زمینه لازم برای دسترسی آنان به آموزش و اطلاعات، منابع و فرصت‌ها فراهم کند و باعث افزایش قدرت تصمیم‌گیری و توانایی تأثیرگذاری بر توسعه اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه‌ها در ناحیه طارم گردد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در ادبیات توسعه و در علوم مختلف از جمله جغرافیا، زنان با مشارکت در فعالیتهای اجتماعی-اقتصادی نقش مؤثری در توسعه سکونتگاه‌ها در سطوح محلی و ناحیه‌ای دارند (رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸: ۱۵؛ عزیزی و آذرکمند، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۷). به‌طوری‌که آنان بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی و غیرکشاورزی جهان را تشکیل می‌دهند. سهم زنان در نیروی کار کشورهای در حال توسعه به ویژه در مناطق روستایی و سکونتگاههای شهری کوچک به دلیل سنتی بودن ساختار تولید و روابط کار، بیشتر از مردان و نیز بیشتر از زنان و مردان کشورهای توسعه یافته است (تورس آماریلیس، ۱۹۸۹؛ حیدری و جهانما، ۱۳۸۲: ۱۳۴). از این رو، الگوها و نظریه‌های متعددی در زمینه مشارکت زنان در توسعه ارائه شده است. «بووینک<sup>۱</sup>» در سال ۱۹۸۶ یکی از بهترین تقسیم‌بندی‌ها را در مورد نظریه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اتخاذ شده در مورد زنان کم درآمد جهان سوم انجام داده است. از جمله این‌گونه نظریه‌های توسعه جنسیتی: «نظریه رفاه<sup>۲</sup>»، «نظریه برابری (عدالت)<sup>۳</sup>»، فقرزدایی، «خوداتکایی اقتصادی<sup>۴</sup>»، «نظریه کارایی<sup>۵</sup>»، «نظریه توانمندسازی<sup>۶</sup>» است.

نظریه رفاه: اولین توجه و کمک مستقیم به زنان، پس از جنگ جهانی دوم در اروپا بود. از آن‌جا که خانواده‌های تک سرپرست رو به فزونی نهاده بود، تصور بر این بود که با کمک اقتصادی مستقیم به زنان، خانواده‌ها از این کمک‌ها بهره‌مند خواهند شد. بنابراین

1. Buvinic

2. Welfare theory

3. Equality theory

4. Economic self – Reliance

5. Efficiency theory

6. Empowerment theory

می‌توان گفت محور کمک در واقع خانواده بوده است و نه زنان. زنان بدون شرکت در فرآیند توسعه، فقط گیرنده بودند. هدف فقط رشد اقتصادی بوده و کمک‌های مالی و کمک به رفاه اجتماعی خانوار، فقط در جهت دستیابی به رشد اقتصادی انجام می‌شد (خانی، ۱۳۸۵: ۲۵). نظریه برابری (عدالت): مسأله برابری را که از اجزای مهم و عمده مقوله توسعه است، مدنظر قرار می‌دهد. توجه اولیه این نظریه معطوف به عدم تساوی بین زن و مرد در حیطه‌ی زندگی فردی و اجتماعی و بین گروه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی است. این نظریه، بر این عقیده است که ریشه‌ی زیر دست بودن زنان را نه تنها در چارچوب خانواده، بلکه در روابط بین زن و مرد باید جستجو نمود. بنابراین، طرفداران این نظریه اهمیت بسیاری برای استقلال مالی زن که به گفته آن‌ها به برابری منجر می‌شود، قائل هستند. این دیدگاه، منشاء آسیب زنان را وابستگی اقتصادی آنان می‌داند. از این رو تصدیق می‌کند زنان را باید از طریق استخدام و معرفی به بازار کار وارد فرآیند توسعه نمود (دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونسف، ۱۳۷۶: ۹۸-۹۶). اساس نظریه فقرزدایی (خودتکایی اقتصادی) بر این فرضیه استوار است که فقر زن و عدم تساوی او با مرد، نتیجه عدم دسترسی زنان به تملک زمین، سرمایه و تبعیض موجود در بازار کار است. در نتیجه، اهداف آن بالا بردن سطح اشتغال و درآمد زنان از طریق ایجاد دسترسی بهتر به منابع تولیدی است. راهبردهای این نظریه شامل: مهار جمعیت، سوادآموزی و دستیابی بیشتر زنان به اشتغال بود (دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونسف، ۱۳۷۶: ۱۰۷-۱۰۴).

نظریه کارایی: در این نظریه تمرکز از روی زنان برداشته و به توسعه توجه می‌شود. فرض بر این بوده است که اگر توسعه اتفاق بیفتد، خود به خود مشارکت زنان را می‌طلبد و این امر موجب افزایش برابری خواهد شد. بنابراین هدف افزایش کارایی و تولید و نه بهبود وضعیت زنان تعریف می‌شود (خانی، ۱۳۸۵: ۲۷).

نظریه توانمندسازی: توانمندسازی زنان مستلزم روندی از چرخه مرتبط از پنج سطح مختلف، شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، کنترل و مشارکت است که در چارچوبی مرتبط، هر یک زمینه‌ساز دیگری به شمار می‌رود (خانی و سعیدی، ۱۳۸۸: ۶۲). علاوه بر این، در نظریه توسعه جنسیتی از نظریه‌های دیگری نظیر توسعه ظرفیتی، توسعه مشارکتی و توسعه پایدار نیز استفاده شده است.

نظریه توسعه ظرفیتی: فرآیندی است که به‌وسیله آن افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و جوامع توانایی‌هایشان را برای عملکردهای اجرایی، حل مسائل و دستیابی به اهداف، درک

کرده و جهت برطرف ساختن نیازهای توسعه خود در یک زمینه وسیع‌تر و در یک الگوی پایدار، آن را سامان می‌دهند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

نظریه توسعه مشارکتی: در توسعه‌ی مشارکتی منافع، نیازها و خواسته‌های مردم باید زیربنای تصمیمات و کنش‌های اساسی باشد. مردم باید در صحنه باشند و منافع آنان در تمام مدت باید مدنظر قرار گیرد. توسعه مشارکتی باید در پی ایجاد تغییر و پدید آوردن شرایطی باشد که به موجب آن زنان حق اظهار داشته باشند (کلیتون و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۲).

نظریه توسعه پایدار: توسعه‌ای است که نیاز نسل حاضر را بدون به مخاطره انداختن حقوق نسل‌های آینده تامین نماید (Brown, 2004: 2). توسعه پایدار انسان را قادر می‌سازد تا با بهره‌مندی از ابعاد متنوع اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی، فرآیند توسعه و رشد اجتماعی- اقتصادی را به‌گونه‌ای پایدار سپری نماید (Ruth, 2001: 1). توسعه پایدار از آن جهت مورد استفاده قرار می‌گیرد که یکی از شاخص‌های توسعه پایدار توانمندسازی زنان می‌باشد. دیدگاه حاکم بر پژوهش حاضر، نظریه توسعه پایدار با تأکید بر ظرفیت‌مندی و توانمندسازی زنان است. ظرفیت‌مندی و توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی صورت می‌پذیرد.

در زمینه جایگاه مشارکت زنان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی و شهری مطالعات متعددی صورت گرفته است. مهم‌ترین تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده به شرح زیر است:

پژوهشی در آفریقای جنوبی نشان داد سیاست‌های دولت، آموزش و پرورش، عقاید فرهنگی و تبعیض علیه زنان از مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در توسعه می‌باشد. آن‌ها مطرح کردند که زنان در مناطق روستایی بی‌سواد و فاقد هرگونه نوآوری و ابتکارات می‌باشند که از طریق سیاست‌های غیرتعاملی دولت به حاشیه رانده شده‌اند و تقریباً هیچ نوع مشارکتی در طرح‌های توسعه ندارند (Kongolo & Bamgose, 2002: 79). مطالعات فائو در تایلند نشان داد که زنان روستایی نقش مهمی در مراحل مختلف کشاورزی اعم از بذرپاشی، کوددهی، برداشت و انبارداری ایفا می‌کنند و در این فعالیت‌ها از دانش و تکنولوژی سنتی بهره می‌گیرند، در حالی‌که مردان در همین فعالیت‌ها بیشتر از مکانیزاسیون استفاده می‌کنند (FAO, 2003). یافته‌های تحقیقی دیگر نشان داد زنان روستایی در مراحل مختلف کشاورزی اعم از کاشت، داشت، برداشت و پس از برداشت محصولات کشاورزی درگیر هستند. زنانی که به پایگاه طبقاتی پایین‌تری تعلق دارند، بیشتر

از سایر زنان، به کشاورزی می‌پردازند و مشارکت زنان در خانه و مزرعه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی منطقه وابسته است. نتایج این تحقیق نشان داد، که علت اصلی مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی در درجه اول احساس مسئولیت آنها و بعد از آن کسب درآمد و کمک به اقتصاد خانواده می‌باشد. همچنین بین عوامل انگیزشی با میزان مشارکت آنان‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (Gill & et al, 2007:1). در یک پژوهش دیگر با عنوان: مشارکت زنان روستایی در تولید سیب‌زمینی در بخش «لودهیانا»<sup>۱</sup> پنجاب نتایج نشان داد، مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی برای کمک به اقتصاد خانواده، امری ضروری است. مشارکت زنان در عملیات مختلف تولید سیب‌زمینی، در حد متوسط است. بیشترین مشارکت زنان در کندن زمین، انبارکردن و درجه‌بندی کردن می‌باشد. زیرا این فعالیت‌ها بخشی از امور خانگی زنان را تشکیل می‌دهد و کم‌ترین میزان مشارکت زنان به آبیاری و بازاریابی برمی‌گردد. استقلال مالی و بهبود وضعیت تغذیه خانواده از اهداف مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی می‌باشد. بنابراین برای افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی، سازماندهی برنامه‌های آموزشی دولتی و غیردولتی مورد تأکید است (Jethi, 2008: 63). «رحمان» در نیجریه نتیجه می‌گیرد با وجود این‌که زنان در تولید و فرآوری محصولات کشاورزی مشارکت معنی‌داری دارند، اما تصمیم‌گیری در مورد مزارع، دسترسی و کنترل بر منابع تولیدی بیشتر بر عهده مردان است و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کشاورزی کم و حدود ۴۱/۵۳ درصد است (Rahman SA, 2008). در پاکستان، زنان روستایی نقش مهمی در فعالیتهای پس از برداشت به‌خصوص در خشک کردن، ذخیره‌سازی و تمیز کردن غلات به عهده دارند. میزان مشارکت زنان در فعالیتهای مربوط به عرضه محصول به بازار نسبت به مردان در سطح پایینی قرار دارد. اما مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای پس از برداشت بیش‌تر است. از این‌رو لازم است دانش فنی در این زمینه به زنان انتقال یابد تا با کاهش تلفات محصول در طول ذخیره‌سازی باعث امنیت اقتصادی شود (Amin & et al, 2009:136). در مطالعه‌ای در شمال مرکزی نیجریه یافته‌ها نشان می‌دهد هرچه دسترسی زنان به منابع (جنگلی) بیشتر باشد، به همان میزان درآمد به‌دست آمده توسط زنان افزایش می‌یابد که به دنبال آن رفاه خانوار روستایی را که می‌تواند شامل استقلال مالی، امنیت غذایی، بهداشت، آموزش و غیره باشد، به همراه داشته باشد (Adedayo & et al, 2010:439). «رحمان‌الوی و همکاران» در بررسی خود با عنوان: مشارکت زنان در توسعه اجتماعی- اقتصادی مناطق کشاورزی پاکستان به این

<sup>1</sup> Ludhiana

نتیجه رسیدند: در جامعه پاکستان زنان دوشادوش مردان برای افزایش درآمد خانوار کار می‌کنند، اما دستمزدی را بابت کار خود دریافت نمی‌کنند و از منزلت اجتماعی-اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند. گرچه زنان روستایی از لحاظ اقتصادی فعال هستند، اما استقلال مالی ندارند. زنان و دختران در فعالیتهای کشاورزی بیشتر از مردان کار می‌کنند، ولی آنها از تغذیه، بهداشت، آموزش مناسبی برخوردار نیستند (RehmanAlvi & et al, 2012:9).

در ایران نیز مطالعات مختلفی در زمینه جایگاه مشارکت زنان در توسعه روستایی انجام پذیرفته است. برای نمونه، سرحدی و همکاران در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی نقش اجتماعی-اقتصادی زنان در روستای آهندان» به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم حضور فعال و گسترده زنان در فعالیتهای کشاورزی و غیرکشاورزی، نقش مدیریتی زنان بسیار کم و تصمیمات کلیدی به وسیله مردان صورت می‌گیرد. همچنین، نتایج تحقیق آنها نشان داد که در هزینه‌های مربوط به نیروی کار، سهم زنان در مقایسه با مردان بیشتر است. زنان خانوار نقش چشمگیری در کاهش هزینه‌های تولیدی دارند، اما با این حال، زنان دستمزدی را در قبال کار خود دریافت نمی‌کنند (سرحدی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۳۷-۲۳۶).

یافته‌های پژوهش مشیری و همکاران نشان می‌دهد زنان خانوار سهم قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار و درآمد خانوار را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به خود اختصاص داده‌اند. بین میزان نیروی کار زنان روستایی در واحدهای بهره‌برداری و سهم آنان در درآمد خانوار رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین رابطه بین میزان سواد زنان با سهم آنها در درآمد خانوارهای روستایی این رابطه معکوس بوده است (مشیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۹).

مطالعات نوری و علی‌محمدی نشان می‌دهد انگیزه‌های اقتصادی زنان چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال، با نظر همسر و خانواده، مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر در فعالیتهای اقتصادی در ناحیه مورد مطالعه است (نوری و علی‌محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۱).

### ۳- مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به صورت بررسی کمی و میدانی به مطالعه جایگاه مشارکت زنان در توسعه سکونتگاه‌ها در ناحیه گیلوان و آب‌بر شهرستان طارم استان زنجان پرداخته است. در تبیین متغیرهای تحقیق از پیشینه موضوع و مشاهدات میدانی بهره‌گیری شده است. سنجش و اندازه‌گیری مؤلفه‌ها، متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی تحقیق و بررسی نقش زنان در توسعه سکونتگاه‌های محلی از

طریق مؤلفه‌های نظام محیطی، نظام اجتماعی و فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام کالبدی و سیاست‌های نظام سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است (نمودار ۱). جامعه آماری در این تحقیق تعداد ۳۰ سکونتگاه و تعداد ۳۶۳۹ خانوار بهره‌بردار کشاورز در ناحیه گیلوان و آب‌بر شهرستان طارم است. از کل جامعه آماری ۲۴ سکونتگاه نمونه به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. پاسخ‌گویان در سطح ۲۴ سکونتگاه، شامل: مسئولان شوراهای اسلامی و گروه معتمدین سکونتگاه‌ها بودند. برای تعمیم اطلاعات به دست آمده به کل جامعه آماری، از طریق روش نمونه‌گیری کوکران از کل ۳۶۳۹ خانوار بهره‌بردار ناحیه مورد بررسی، تعداد ۳۹۱ خانوار بهره‌بردار به صورت تصادفی انتخاب شدند (سرایی، ۱۳۷۵: ۱۳۱). علاوه بر این، بر اساس روش «P.P.S»<sup>۱</sup> به نسبت خانوار بهره‌بردار ۲۴ سکونتگاه، نمونه‌های تصادفی نسبت به حجم بهره‌برداران هر سکونتگاه انتخاب شدند و در آن‌ها پرسشگری به عمل آمد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و تبیین فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و برای سنجش رابطه معناداری متغیرها از آزمون‌های کندال تائوبی<sup>۲</sup>، اسپیرمن<sup>۳</sup>، کای-اسکوئر<sup>۴</sup> استفاده شد.

---

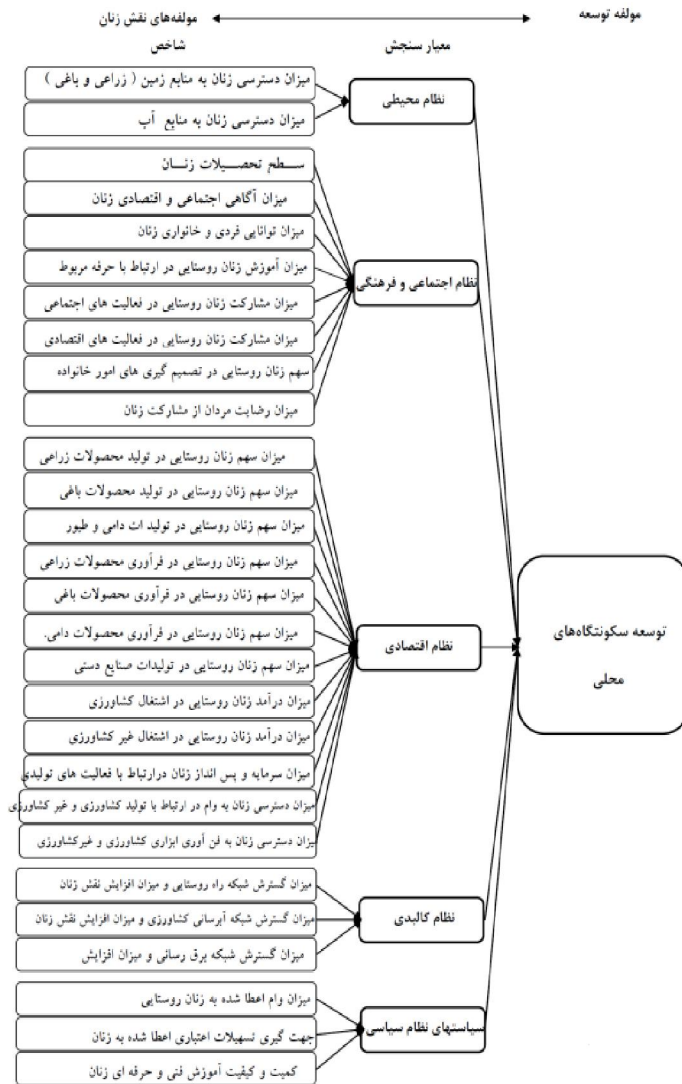
<sup>۱</sup> Probability of proportional to Size

<sup>۲</sup> Kendall's tau-b

<sup>۳</sup> Spearman's rho

<sup>۴</sup> Chi-Square





نمودار ۱- چارچوب مفهومی مؤلفه‌های نقش زنان در توسعه سکونتگاه‌های محلی در ناحیه گیلوان و آبر شهرستان طارم. مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین، مؤلفه اثر پذیر توسعه سکونتگاه‌ها از طریق تعداد ۵ شاخص در ابعاد محیطی، میزان ۱۶ شاخص در ابعاد اجتماعی- فرهنگی، حدود ۲۶ شاخص در ابعاد اقتصادی و میزان ۱۷ شاخص در ابعاد کالبدی مورد سنجش قرار گرفت (جدول ۱).

جدول ۱- شاخص‌های سنجش سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های محلی متأثر از مشارکت زنان

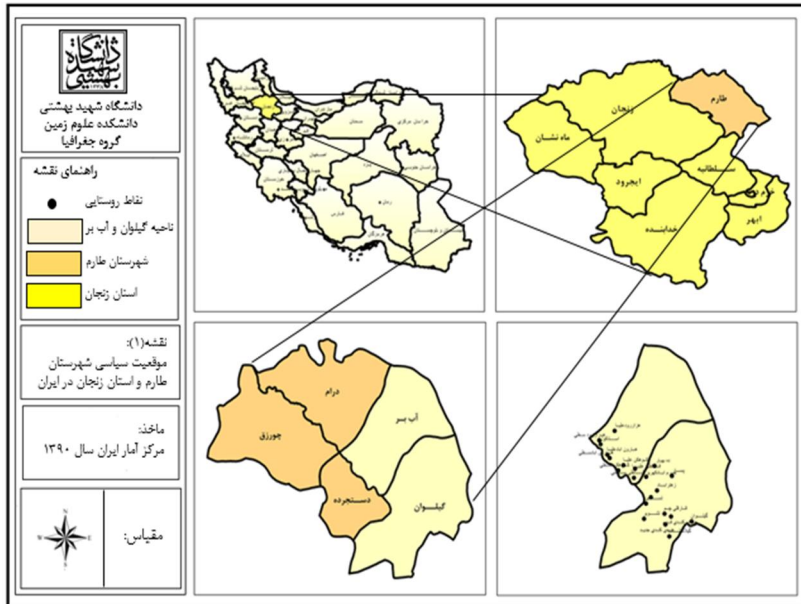
ابعاد و شاخص‌ها	شاخص
<b>ابعاد محیطی - اکولوژیک</b>	افزایش سهم زنان در تولید محصولات زراعی و باغی
گسترش سطح زیرکشت اراضی کشاورزی	افزایش سهم زنان در تولید محصولات دامی
گسترش سطح زیرکشت اراضی زراعی	افزایش سهم زنان در تولید محصولات طیور
گسترش سطح زیرکشت اراضی باغی	افزایش سهم زنان در اشتغال کشاورزی
افزایش میزان آب کشاورزی	افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات زراعی
افزایش تعداد و تنوع آب کشاورزی	افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات باغی
<b>ابعاد اجتماعی - فرهنگی</b>	افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات دامی
افزایش درصد باسوادی زنان سکونتگاه‌ها	افزایش سهم زنان در فرآوری محصولات طیور
افزایش درصد باسوادی مردان سکونتگاه‌ها	افزایش سهم زنان در تولید صنایع دستی
افزایش درصد باسوادی کل سکونتگاه‌ها	افزایش سهم زنان در اشتغال غیرکشاورزی
افزایش سطح تحصیلات زنان سکونتگاه‌ها	افزایش میزان دسترسی زنان به وام و اعتبار
افزایش سطح تحصیلات مردان سکونتگاه‌ها	افزایش دسترسی زنان به ابزار آلات کشاورزی و غیر کشاورزی
افزایش میزان آگاهی زنان روستایی در زمینه مسائل اجتماعی	افزایش سهم زنان در درآمد فعالیت کشاورزی
افزایش میزان آگاهی زنان روستایی در زمینه مسائل اقتصادی	افزایش سهم زنان در درآمد فعالیت غیرکشاورزی
افزایش میزان مهارت زنان سکونتگاه‌ها	افزایش سهم زنان در درآمد خانوار
افزایش تنوع مهارت زنان سکونتگاه‌ها	<b>ابعاد زیرساختی و کالبدی</b>
افزایش آگاهی زنان در ارتباط با مهارت‌های اقتصادی سکونتگاه‌ها	بهبود شبکه راه سکونتگاه‌ها
افزایش تواناسازی زنان در ارتباط با مشارکت در مسائل اجتماعی	برخورداری خانوارهای روستایی از راه آسفالت مناسب
افزایش میزان تواناسازی زنان در ارتباط با مشارکت در مسائل اقتصادی	بهبود شبکه آبرسانی سکونتگاه‌ها
افزایش رضایت آنان در مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی	بهبود شبکه برق‌رسانی سکونتگاه‌ها
افزایش سهم زنان خانوار در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانوار	بهبود شبکه ارتباطی تلفن ثابت

افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فعالیت‌های اجتماعی	بهبود شبکه ارتباطی تلفن همراه
افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فعالیت‌های اقتصادی	برخورداری خانوارهای روستایی از آب آشامیدنی تصفیه شده
<b>ابعاد اقتصادی</b>	
افزایش تعداد کارگران زن در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی	برخورداری خانوارها از نهاده‌های کشاورزی شرکت‌های تعاونی
گسترش تنوع فعالیت‌های کشاورزی	برخورداری خانوارهای روستایی از خدمات بهداشت
افزایش عملکرد در هکتار زیتون	برخورداری خانوارهای روستایی از بهیاری و ماما
افزایش عملکرد در هکتار گوجه‌فرنگی	برخورداری خانوارهای روستایی از بهورز
افزایش عملکرد در هکتار سیر	برخورداری خانوارهای روستایی از پاسگاه نیروی انتظامی
افزایش عملکرد در هکتار طالبی	برخورداری خانوارهای روستایی از پایگاه بسیج
افزایش عملکرد در هکتار سیب‌زمینی	برخورداری خانوارهای روستایی از اورژانس
افزایش عملکرد در هکتار پیاز	برخورداری خانوارهای روستایی از وسیله نقلیه
افزایش عملکرد در هکتار برنج	برخورداری خانوارهای روستایی از پمپ بنزین

مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس واکاوی پیشینه و ادبیات موضوع

#### ۴- قلمرو جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه

شهرستان طارم جزئی از رشته کوه‌های البرز غربی است که در حوضه آبخیز رودخانه قزل‌اوزن به طول ۷۰ کیلومتر قرار دارد. جلگه‌های رسوبی ایجاد شده توسط رودخانه قزل‌اوزن زمینه را برای استقرار جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی به ویژه کشاورزی فراهم آورده است (نقشه ۱). از آن جایی که شکل غالب فعالیت‌ها در ناحیه مورد مطالعه (گیلوان و آب‌بر) به صورت بهره‌برداری خانوادگی است، از این‌رو زنان و دختران سهم به‌سزایی در اقتصاد خانوار سکونتگاه‌ها دارند. به طوری که در ناحیه مورد مطالعه زنان دوشادوش مردان در فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، باغداری، دامداری) و غیر کشاورزی (صنایع تبدیلی، خدمات عمومی) حضور فعال و مؤثر دارند.



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه

## ۵- تحلیل یافته‌ها

### ۵-۱- تحلیل یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های تحقیق، از مجموع ۵۴/۲ درصد خانوارهای فعال در تولید محصولات زراعی، حدود ۷/۷ درصد خانوارها، سهم زنان خانوارشان در تولید محصولات زراعی نسبتاً پایین بوده، میزان ۱۴/۸ درصد در حد متوسط و بالاخره ۳۱/۷ درصد خانوارها، سهم زنان خانوارشان در تولید محصولات زراعی زیاد و خیلی زیاد بوده است (جدول ۲). همچنین از کل خانوارهای فعال در تولید محصولات باغی، حدود ۲۷/۳ درصد خانوارها، سهم زنان آن‌ها در تولید محصولات باغی نسبتاً پایین بوده، میزان ۲۷/۶ درصد در حد متوسط و بالاخره، ۲۳/۸ درصد خانوارها، سهم زنان‌شان در تولید محصولات باغی نسبتاً بالا بوده است (جدول ۲).

جدول ۲- سهم مشارکت زنان در تولیدات زراعی و باغی در سکونتگاه‌های ناحیه مورد مطالعه

ردیف	سهم زنان خانوار در تولیدات زراعی	تعداد خانوار	درصد	سهم زنان خانوار در تولیدات باغی	تعداد خانوار	درصد
۱	خیلی کم	۰	۰	خیلی کم	۱۵	۳/۸
۲	کم	۳۰	۷/۷	کم	۹۲	۲۳/۵
۳	متوسط	۵۸	۱۴/۸	متوسط	۱۰۸	۲۷/۶
۴	زیاد	۷۹	۲۰/۲	زیاد	۷۷	۱۹/۷
۵	خیلی زیاد	۴۵	۱۱/۵۵	خیلی زیاد	۱۶	۴/۱
	جمع	۲۱۲	۵۴/۲	جمع	۳۰۸	۷۸/۸
	مشارکت ندارند	۱۷۹	۴۵/۸	مشارکت ندارند	۸۳	۲۱/۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد حدود ۷۲/۹ درصد زنان خانوارها، در تولید محصولات دامی مشارکتی نداشته و تنها میزان ۲۷/۱ درصد زنان خانوارها، به فعالیت دامی می‌پردازند. در این میان، حدود ۴/۹ درصد زنان خانوارها، سهم‌شان در تولید محصولات دامی در حد متوسط، میزان ۲۲/۲ درصد زنان خانوارها، سهم‌شان در تولید محصولات دامی زیاد و خیلی زیاد بوده‌است (جدول ۳).

جدول ۳- سهم مشارکت زنان در تولیدات دامی در سکونتگاه‌های ناحیه مورد مطالعه

ردیف	سهم مشارکت زنان خانوار در تولید محصولات دامی	تعداد خانوار	درصد نسبی	درصد اصلاح شده	درصد تجمعی
۱	خیلی کم	۰	۰	۰	۰
۲	کم	۰	۰	۰	۰
۳	متوسط	۱۹	۴/۹	۱۷/۹	۱۷/۹
۴	زیاد	۴۹	۱۲/۵	۴۶/۲	۶۴/۲
۵	خیلی زیاد	۳۸	۹/۷	۳۵/۸	۱۰۰/۰
	جمع	۱۰۶	۲۷/۱	۱۰۰/۰	-
	مشارکت ندارند	۲۸۵	۷۲/۹	-	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## ۵-۲- تحلیل یافته‌های دو متغیره

- ارزیابی رابطه بین متغیر تعداد زنان فعال با مؤلفه ترکیبی فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی و تصمیم‌گیری اجتماعی - اقتصادی

بر اساس آزمون کای دو (Chi-square)، بین متغیر تعداد زنان فعال با شاخص‌های ترکیبی فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی، تصمیم‌گیری‌های اجتماعی- اقتصادی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد ( $P=0/000$ ). در واقع زنان در ناحیه مورد مطالعه سهم زیادی در فعالیت‌های متنوع دارند و در افزایش درآمد خانوار و به‌طور کلی اقتصاد سکونتگاه‌های ناحیه گیلوان و آب‌بر اثرگذار هستند (جدول ۴).

جدول ۴- ارتباط بین تعداد زنان فعال سکونتگاه‌ها و میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی، غیر کشاورزی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی

جمع کل	میزان مشارکت زنان					گروه بندی	شرح
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۰	۰	۰	۰	۰	۰	خیلی کم	تعداد زنان خانوار
۲۴۹	۷	۶۴	۱۱۲	۸۵	۲۶	کم	
۷۱	۲	۲۶	۲۵	۱۳	۵	متوسط	
۲۱	۳	۹	۸	۱	۰	زیاد	
۵	۳	۱	۱	۰	۰	خیلی زیاد	
۳۹۱	۱۵	۱۰۰	۱۴۶	۹۹	۳۱	جمع کل	

Chi-square=67.096 DF= 12 Monte carlo.sig. (2-sided)=0.000

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## - سنجش رابطه بین مشارکت زنان با ابعاد توسعه سکونتگاه‌های محلی

به‌طور کلی یافته‌های تحقیق نشان داد، بین تمامی شاخص‌های ترکیبی ابعاد محیطی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی توسعه سکونتگاه‌های محلی با مؤلفه ترکیبی مشارکت زنان در ناحیه مورد مطالعه رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد ( $p=0/000$ ) (جدول ۵).

جدول ۵- تحلیل روابط معناداری بین مؤلفه ترکیبی مشارکت زنان با مؤلفه‌های ترکیبی توسعه سکونتگاه‌های محلی

وجود رابطه	نوع آزمون				مؤلفه اثرگذار	مؤلفه‌های توسعه سکونتگاه‌های محلی	ردیف
	Spearman's rho		Kendall's tau-b				
	r	Sig.	r	Sig.			
دارد	۰/۶۵۶	۰/۰۰۰	۰/۶۰۹	۰/۰۰۰	مشارکت زنان	نظام محیطی و اکولوژیکی توسعه	۱
دارد	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۲۳۰	۰/۰۰۰		نظام اجتماعی- فرهنگی توسعه	۲
دارد	۰/۴۹۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۸	۰/۰۰۰		نظام اقتصادی توسعه	۳
دارد	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰		نظام کالبدی و زیرساختاری توسعه	۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به عبارت دیگر، مشارکت زنان در ناحیه مورد مطالعه در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی موجب ارتقای نقش آنها در فعالیت‌های اجتماعی- اقتصادی سکونتگاه‌ها و در نتیجه ارتقای شاخص توسعه‌یافتگی آنها در ناحیه مورد مطالعه شده است.

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های میدانی تحقیق در ارتباط با ابعاد محیطی نشان داد در ناحیه مورد مطالعه، حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های متنوع کشاورزی و غیرکشاورزی موجب گسترش سطح زیر کشت اراضی کشاورزی (زراعی و باغی) شده است. همچنین نقش زنان در افزایش میزان و تنوع آب کشاورزی اثرگذار بوده است. به عبارت دیگر مشارکت زنان در ناحیه مورد مطالعه، در کنار مردان در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی باعث رونق اقتصاد خانوارها و اقتصاد سکونتگاه‌ها شده است. این مقوله، در تحول و توسعه سطح زیرکشت اراضی کشاورزی زراعی و باغی از طریق تملک اراضی جدید و تحول شیوه آبیاری از حالت سنتی به مدرن و افزایش تنوع و شیوه‌های نوین آبیاری و در نتیجه افزایش میزان بهره‌وری آب آبیاری و گسترش فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی اثرگذار بوده است. در این زمینه، یافته‌های تحقیق حاضر با یافته‌های «جتی» ۲۰۰۴، «گیل و همکاران» ۲۰۰۷، «فردوشی و همکاران» ۲۰۱۱، و «رحمان الوی» ۲۰۱۲ مطابقت دارد.

در ارتباط با ابعاد اجتماعی و فرهنگی یافته‌های میدانی تحقیق نشان داد افزایش میزان آگاهی، سطح تحصیلات و توانایی‌های فردی و خانواری زنان، باعث افزایش میزان مشارکت اجتماعی زنان و در نتیجه توسعه سکونتگاه‌ها شده است. این مقوله با یافته‌های «دریسا و همکاران» ۲۰۰۷ و «رحمان» ۲۰۰۸ یکسان است. در واقع، با افزایش میزان آگاهی و سطح تحصیلات زنان در ناحیه مورد مطالعه، میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی افزایش یافته است. اما با توجه به این که آموزش‌های ارایه شده و میزان آگاهی زنان روستایی از یکسو، باعث ارتقای مهارت فنی و حرفه‌ای آنان نشده است و از سوی دیگر، آموزش آن‌ها از طریق مراکز آموزش فنی حرفه‌ای نبوده و گواهی‌نامه رسمی برای آن‌ها صادر نشده است. افزایش میزان آگاهی زنان در افزایش میزان مشارکت اقتصادی آنها نیز اثرگذار نبوده است. این نتایج برخلاف یافته‌های «امین و همکاران» ۲۰۰۹، و «ادایو و همکاران» ۲۰۱۰ است. به عبارت دیگر، هرچه میزان تحصیلات و آگاهی اجتماعی زنان بالا رفته، میزان مشارکت اقتصادی آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی کاهش پیدا کرده است.

شایان ذکر است در ناحیه مورد مطالعه، زنان با داشتن انواع مهارت‌ها زمینه توسعه سکونتگاه‌ها را فراهم آورده‌اند. همچنین علی‌رغم مشارکت زنان در فعالیت‌های متنوع کشاورزی و غیرکشاورزی سهم آنها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانوار، مسائل اجتماعی و اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های توسعه بسیار ناچیز است. یعنی با افزایش میزان مشارکت اقتصادی زنان (کشاورزی و غیرکشاورزی) سهم آنها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانوار، مسائل اجتماعی و اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های توسعه کاهش پیدا می‌کند. این نتایج با یافته‌های «امین و همکاران» ۲۰۰۹ مطابقت دارد؛ ولی با نتایج «رحمان الوی» و همکاران ۲۰۱۲ متفاوت است. در ارتباط با مؤلفه‌های نظام اقتصادی یافته‌های تحقیق نشان داد که در ناحیه مورد مطالعه با گسترش سطح زیرکشت اراضی کشاورزی و افزایش میزان تنوع آب کشاورزی نیاز به نیروی کار به‌خصوص نیروی کار زنان افزایش پیدا کرده است. به طوری که، در فصل کشت و کار در شهرستان طارم و به‌خصوص در ناحیه مورد مطالعه (گیلوان و آب‌بر) زنان بومی و زنان روستایی مناطق هم‌جوار، نقش به‌سزایی در تولید محصولات زراعی و باغی ایفا می‌کنند. به‌گونه‌ای که بین افزایش تعداد کارگران زن و توسعه سکونتگاه‌های محلی نیز رابطه معنی‌داری مشاهده شده است. به سخن دیگر حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های متنوع کشاورزی و غیرکشاورزی باعث افزایش اشتغال کشاورزی و اشتغال غیرکشاورزی زنان شده است. در این میان افزایش میزان اشتغال



کشاورزی و غیرکشاورزی زنان بر روی توسعه سکونتگاه‌ها در ناحیه مورد مطالعه اثرگذار بوده است. علاوه بر این، زنان این ناحیه با انجام فعالیت‌های متنوع کشاورزی و غیرکشاورزی در افزایش درآمد، رفاه و کاهش هزینه‌های مربوط به نیروی کار نقش چشم‌گیری در ناحیه مورد مطالعه داشته‌اند.

در ارتباط با ابعاد کالبدی یافته‌های میدانی تحقیق نشان داد بین گسترش شبکه راه، آبرسانی کشاورزی، برق‌رسانی، شبکه مخابراتی، شکل‌پذیری پاسگاه انتظامی و پایگاه بسیج و افزایش میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان و در نتیجه توسعه سکونتگاه‌ها رابطه دو سویه وجود دارد. یعنی با گسترش شبکه راه، وسیله نقلیه عمومی، آبرسانی کشاورزی، برق‌رسانی، شبکه ارتباطی تلفن همراه و گسترش پایگاه بسیج میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان افزایش پیدا کرده است. همچنین نقش و مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی بر روی گسترش زیربناها و زیرساخت‌های سکونتگاه‌ها ناحیه مورد مطالعه نیز اثرگذار بوده است. به سخن دیگر، جریان تأثیر و تأثر میان متغیرهای نقش زنان و ابعاد توسعه، باعث افزایش مشارکت زنان در توسعه سکونتگاه‌های محلی شده است.

خلاصه این که در حال حاضر، سهم عوامل درون‌زاد نظام فضایی سکونتگاه‌های محلی نظیر: توانایی‌های فردی و خانواری زنان، توانمندی کشاورزی و غیرکشاورزی خانوارها و گسترش نسبتاً زیاد اراضی زراعی و باغی در کنار فعالیت‌های دامی در سکونتگاه‌های ناحیه مورد مطالعه، بیش از عوامل برون‌زاد نظام فضایی (برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی و هدایتی)، زمینه حضور مؤثر زنان را در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی در سکونتگاه‌های مورد مطالعه فراهم کرده است. بنابراین در برنامه‌ریزی توسعه توجه به این مقوله به منظور ارتقای ظرفیت‌مندی، توانمندسازی و مشارکت دادن بیش از پیش زنان در فرآیند توسعه در ناحیه گیلوان و آب‌بر با توجه به موقعیت عملکردی کشاورزی و غیرکشاورزی آن ضروری به نظر می‌رسد.

## ۷- نظام پیشنهادی

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر، به منظور بهبود وضعیت زنان در سکونتگاه‌های ناحیه مورد مطالعه و اثرگذاری بیش از پیش نقش آن‌ها در توسعه اقتصاد خانوار و کل سکونتگاه‌ها توجه به پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد:

۱- با توجه به نتایج تحقیق حاضر، به منظور توانمندسازی و آگاهی بخشی زنان روستایی پیشنهاد می‌گردد آموزش‌های لازم در ارتباط با توسعه مهارتی زنان به منظور افزایش میزان

دسترسی آن‌ها به منابع آب و زمین صورت پذیرد. زیرا در ناحیه مورد مطالعه زنان سرپرست خانوار نسبت به مردان دسترسی کمتری به منابع آب و زمین دارند.

۲- با توجه به این که در ناحیه مورد مطالعه، زنان تاکنون آموزش رسمی از طریق مراکز فنی و حرفه‌ای در ارتباط با حرفه شغلی خود دریافت نکرده‌اند، از این رو، توجه به آموزش آنها از طریق مراکز فنی و حرفه‌ای به منظور ارتقای ظرفیت‌های مهارتی و توانمندی آنان، همراه با ارائه مدارک معتبر و قانونی به زنان این ناحیه ضروری به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، اعمال سیاست‌های حمایتی و هدایتی برای گروه زنان، ارائه آموزش‌های رسمی، برای ظرفیت‌سازی و توانمندی آن‌ها به عنوان نیروی اثر گذار در برنامه‌ریزی‌های توسعه امری ضروری به نظر می‌رسد.

۳- در ناحیه مورد مطالعه، زنان در فرآوری محصولات کشاورزی (زرعی، باغی و دامی) مهارت دارند. در این راستا، راه‌اندازی و گسترش کارگاه‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی توسط زنان، تأثیر به‌سزایی در افزایش درآمد و ارتقای جایگاه و نقش زنان دارد.

۴- با توجه به این که اکثر زنان مورد مطالعه اظهار داشته‌اند فعالیت‌های تولیدی خود را به صورت سنتی فراگرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای ضمن توجه به آموزش‌های علمی و فنی، به آموزش‌های سنتی که عمده‌تأ حاوی اطلاعات و فنون جالب توجه‌اند، غافل نشوند.

۵- در ناحیه مورد مطالعه به دلیل پایین بودن میزان دسترسی زنان به وام و اعتبارات بانکی و فن‌آوری نوین ابزاری کشاورزی و غیرکشاورزی، زنان روستایی به طور مستقل حضور کم‌رنگی در فعالیت‌های اقتصادی دارند. از این رو، پیشنهاد می‌گردد سیاست‌های حمایتی و هدایتی در راستای افزایش میزان دسترسی زنان به وام و اعتبارات بانکی و فن‌آوری کشاورزی و غیرکشاورزی از طریق ایجاد تشکل‌های زنان صورت پذیرد.

فرآهم آوردن مجموع شرایط مذکور سبب توسعه ظرفیتی و توانمندی بیش از پیش زنان در راستای افزایش مشارکت آنان در فرآیند توسعه در ناحیه مورد مطالعه خواهد شد. زیرا در سکونتگاه‌های روستایی و شهری ناحیه گیلوان و آب‌بر، ظرفیت‌های بالقوه فراوانی از جهت نیروی کار زنان وجود دارد که با برنامه‌ریزی مناسب علاوه بر ارتقای اقتصاد خانوار سکونتگاه‌ها زمینه مناسب برای تحول و توسعه اجتماعی- اقتصادی آنها را به‌دنبال خواهد داشت.

**منابع و مأخذ:**

- ۱- چمبرز، ر. ۱۳۷۶. توسعه روستایی: الویت بخشی به فقرا. ترجمه‌ی مصطفی ازکیا. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۴۴ صفحه.
- ۲- حیدری، غ، جهانما، ف. ۱۳۸۲. توانایی زنان در بخش کشاورزی- روستایی. فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۶: ۱۶۴-۱۲۹.
- ۳- خانی، ف. ۱۳۸۵. جنسیت و توسعه. چاپ اول. انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. ۱۳۱ صفحه.
- ۴- خانی، ف.، سعیدی، ع. ۱۳۸۸. فضای اجتماعی، راهبری عمومی و جنسیت، جغرافیا. فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران. شماره ۲۳: ۷۶-۵۹.
- ۵- کلیتون، آ.، اوکلی، پ.، پرت، ب. ۱۳۸۳. توانمندسازی مردم، راهنمایی برای مشارکت. چاپ اول. انتشارات سروستان. ۱۱۲ صفحه.
- ۶- دفتر امور ریاست جمهوری و یونیسف. ۱۳۷۶. نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران. ۱۳۹ صفحه.
- ۷- رحمانی، ر.، مجیدی، ب. ۱۳۸۸. عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی، مطالعه موردی: مناطق ۶ و ۸ شهرداری تهران. فصلنامه آمایش محیط. شماره ۷: ۳۴-۱۵.
- ۸- سزایی، ح. ۱۳۷۵. مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. چاپ دوم. انتشارات سمت. ۲۵۶ صفحه.
- ۹- سرحدی، ف. مطیع، ن.، نیک ذات، آ.، خسته‌فر، م.، صارمی، ز. ۱۳۷۴. نقش اجتماعی- اقتصادی زنان در روستای آهندان. اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ویژه: ۲۳۸-۲۱۷.
- ۱۰- عزیزی، پ.، آذرکمند، ر. ۱۳۸۹. بررسی تأثیر آموزش بر اشتغال زنان با تأکید بر ایران. فصلنامه آمایش محیط. شماره ۸: ۱۵۵-۱۳۵.
- ۱۱- مشیری، ر.، مهدوی، م.، علیایی، ص. ۱۳۸۸. بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی (مطالعه‌ی موردی: زنان روستایی دیوان‌دره استان کردستان). فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۴: ۸۲-۶۹.
- ۱۲- نوری، ه.، علی‌محمدی، ن. ۱۳۸۸. تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه برا آن شهرستان اصفهان). مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره ۲: ۱۰۴-۸۷.

- 13- Adedayo, A. G., Oyun, M. B., & Kadeba, O. 2010. Access of rural women to forest resources and its impact on rural household welfare in North Central Nigeria. *Forest policy and economics*, 12(6): 439-450.
- 14- Brown, K., Adger, W. N., Boyd, E., Corbera-Elizalde, E., & Shackley, S. 2004. How do CDM projects contribute to sustainable development? .Norwich: Tyndall Centre for Climate Change Research.pp1-53
- 15- Kongolo, M., & Bamgose, O. O. 2002. Participation of rural women in development: a case study of Tsheseng, Thintwa, and Makhalaneng Villages, South Africa. *Journal of International Women's Studies*, 4(1): 79-92.
- 16- Food and agriculture organization. 2003. Gender responsive technology for poverty alleviation in Thailand. <http://www.fao.org/docrep/oo7/ae538e/ae538e00.htm>.
- 17- Gill, J.K., Dhillon, M.K., Sidhu, k. 2007. Women in agriculture: Impact of their participation on the home environment. *International Journal of Rural Studies (IJRS)*, 14(1):1-7.
- 18- Amin, H., Ali, T., Ahmad, M., & Zafar, M. I. 2009. Capabilities and competencies of Pakistani rural women in performing house hold and agricultural tasks: a case study in tehsil Faisalabad. *Pak. J. Agri. Sci*, 46(1): 58-63.
- 19- Jethi, R. 2008. Participation of Farm Women in Potato Production. *Indian Res. J. Ext. Edu*, 8(1): 63-65.
- 20- Rahman, S. A. 2008. Women's involvement in agriculture in northern and southern Kaduna State, Nigeria. *Journal of Gender Studies*, 17(1): 17-26.
- 21- Ruth, Meena .2001. Women and Sustainable Development, Non Governmental
- 22- Liaison Service, available on [www.un-ngls.org](http://www.un-ngls.org)
- 23- RehmanAlvi, T. U., Hanif, I., Feryal, I., Waraich, I. A., & Mortaza, N.2012. Women Participation in Socio-Economic Development in Agriculture Areas of Pakistan,2(10):9-20.